

## Temporary Marriage: A Comparative Study between the Zoroastrian Tradition of the Late Sassanid Period and Twelver Shiism

Mohsen Harati<sup>1</sup>, Mansureh Zarean<sup>2</sup>

Received: 2 August 2021 / Accepted: 6 November 2021

### Abstract

Marriage has a special place in Zoroastrianism and Islam (Twelver Shiism). One of the types of marriage is temporary marriage. There is evidence of temporary marriage in the Zoroastrian tradition of the late Sassanid period, a marriage that can be compared to *muta 'a* or temporary marriage in Islam. This research, based on the documents available in Zoroastrian texts and the studies of orientalist, first deals with the existence of temporary marriage, its types, and the rights and duties of women in the Zoroastrian tradition, and then examines the same issue from the perspective of Islam and shows similarities and differences. It seems that temporary marriage in Zoroastrianism and Islam has a lot of similarities, although sometimes there are fundamental differences in the goals and conditions. Considering the traces of this type of marriage in ancient Iran, the Zoroastrian tradition, and the ignorant Arabs, we can understand that temporary marriage is not one of the founding rules of Islam. After criticism and praise, Islam has confirmed the temporary marriage in a way that justice is established for the couple and each of them achieves his/her desired benefits.

**Keywords:** Temporary Marriage, Satar, Ayoken, Niruzd, Xwedodah, Twelver Shiism, Zoroastrian Tradition.

---

1. PhD Student in Women's Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), [moshaver.daneshjoo@gmail.com](mailto:moshaver.daneshjoo@gmail.com).

2. Assistant Professor, Department of Social Sciences and Development Studies, AlZahra (S) University, Tehran, Iran, [m.zarean@alzahra.ac.ir](mailto:m.zarean@alzahra.ac.ir).

## ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی

محسن هراتی\*

منصوره زارعان\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵]

### چکیده

ازدواج از جایگاه خاصی در دین زرتشتی و دین اسلام (مذهب شیعه دوازده‌امامی) برخوردار است. یکی از اشکال ازدواج، ازدواج موقت است. در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی، شواهدی مبنی بر ازدواج موقت وجود دارد که می‌توان آن را با متعه یا ازدواج موقت در اسلام مقایسه کرد. در این پژوهش، ابتدا به وجود ازدواج موقت، انواع آن و سپس حقوق و تکالیف زن در سنت زرتشتی، با توجه به مستندات موجود در متون زرتشتی و پژوهش‌های شرق‌شناسان می‌پردازیم و سپس همین موضوع را از منظر اسلام بررسی می‌کنیم و همانندی‌ها و مغایرت‌ها را نشان خواهیم داد. به نظر

\* دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

moshaver.daneshjoo@gmail.com

\*\* استادیار گروه علوم اجتماعی و مطالعات توسعه، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

m.zarean@alzahra.ac.ir

می‌رسد ازدواج موقت در دین زرتشتی و اسلام همسانی بسیار دارد؛ اگرچه گاه در اهداف و شرایط این نوع ازدواج مغایرت‌های بنیادینی دیده می‌شود. با توجه به وجود رد پای این نوع ازدواج در ایران باستان، سنت زرتشتی و همچنین اعراب جاهلی می‌توان دریافت که ازدواج موقت از احکام تأسیسی اسلام نیست. اسلام ازدواج موقت را پس از جرح و تعدیل، به گونه‌ای امضا کرده است که عدالت درباره طرفین برقرار شده و هر یک از ایشان به منافع مد نظر خود برسند.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج موقت، ستر، ایوگین، استقراضی، خویدوده، شیعه دوازده‌امامی، سنت زرتشتی.

## مقدمه

ازدواج معمولاً تحت تأثیر فرهنگ هر جامعه اشکال مختلفی پیدا می‌کند. در ایران، از باستان تاکنون، علاوه بر ازدواج دائم که شکل اصلی ازدواج بوده، نوع دیگری از ازدواج وجود داشته که «ازدواج موقت» نامیده می‌شود. ازدواج موقت، ازدواجی غیردائمی است که به صورت شرعی و قانونی و در زمانی معلوم، بین زن و مردی که شرایطش را دارند، برقرار می‌شود (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۴۹/۲). رد پای این نوع ازدواج در ایران باستان و میان اعراب جاهلی مشهود است؛ بنابراین، عملی نبوده است که اسلام بخواهد آن را تأسیس کند.<sup>۱</sup> اگرچه ازدواج موقت در میان مردم ایران مقبولیت عام پیدا نکرد، اما این نهاد همچنان در جامعه ایران پابرجا مانده است. ماتسوخ وجود ازدواج موقت در سنت‌های قدیم ایرانیان را قطعی می‌داند و معتقد است حتی پس از سقوط دولت ساسانی هم در قرون نخستین اسلامی باقی مانده و بعدها با فقه شیعه دوازده‌امامی هماهنگ شده است (ماتسوخ، ۱۴۰۰: ۱۰۷؛ Macuch, 2003: 586). هریلد نیز، همچون ماتسوخ، قائل به تشابه ازدواج موقت در حقوق ساسانی و فقه امامیه است (Hjerrild, 1993: 53). بر این اساس، این نوع ازدواج در ایران پیش از اسلام و در بین زرتشتیان با قوانین و شرایط مختص به خود وجود داشته و بعد از اسلام نیز ادامه پیدا کرده است. در اسلام احکام امضایی وجود دارد. مراد از آن احکامی است که پیش از شریعت اسلام بوده و پس از آن ضمن شروطی تأیید شده است (هاشمی شاهرودی،

۱۳۸۵: ۳۵۲). با این حال، فقط یک نوع از انواع ازدواج موقتی که پیش از اسلام وجود داشت در اسلام امضا شده و برخی دیگر از آن تأیید نشده و مردود اعلام شده است.

هرچند تحقیقاتی در دین زرتشتی در زمینه ازدواج صورت پذیرفته، اما به صورت مقایسه‌ای، پژوهشی به طور خاص در زمینه ازدواج موقت در اسلام و آیین زرتشت وجود ندارد. تنها تحقیق موجود مقاله «ازدواج موقت در دین زرتشتی و اسلام» (بادامچی و دیگران، ۱۳۹۴) است. نویسنده بیشترین همت خود را به اثبات وجود ازدواج موقت در سنت زرتشت اختصاص داده است؛ موضوعی که پیش‌تر ماریا ماتسوخ در مقاله «کارکرد ازدواج موقت در نظام حقوق خانواده در دوران ساسانی» (ماتسوخ، ۱۴۰۰) اثبات کرده و فقط به پنج شرط از شرایط ازدواج موقت، آن هم به صورت محدود، اشاره کرده و در بحث مقایسه علاوه بر فقه امامیه به نظر اهل سنت درباره ازدواج موقت هم پرداخته است. وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های مرتبط، علاوه بر تمرکز بر مذهب شیعه دوازده‌امامی و بحث امضایی و تأسیسی بودن ازدواج موقت در اسلام، بررسی تشابهات، تغییرات و نقاط افتراق حقوق و تکالیف زن در این دو دین است.

بدین ترتیب ابتدائاً امضایی بودن آن را در اسلام اثبات می‌کنیم و نهایتاً نشان می‌دهیم کدام یک از این دو شکل به نفع جامعه زنان بوده است. در این پژوهش، چگونگی، اصول و اهداف ازدواج موقت در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی به صورت مقایسه‌ای و با مطالعات کتابخانه‌ای بررسی می‌شود. برای رعایت اختصار و سهولت در مطالعه به جای «سنت زرتشتی دوران اواخر ساسانی» از «سنت زرتشتی» و به جای «شیعه دوازده‌امامی» از «اسلام» استفاده شده است.

## ۱. ماهیت و شکل ازدواج موقت در سنت زرتشتی و اسلام

افزون بر ازدواج دائم، در سنت زرتشتی متأخر به‌روشنی رواج ازدواج موقت دیده می‌شود. در سه ماده قانونی از *مادیان هزار داستان* آمده است:

۱. چنانچه دختری بنا بر اجازه پدر به کسی اظهار کند که تا ۱۰ سال زن تو هستم و پدر (او) پیش از ده سال بمیرد، (آنگاه) باید تا انقضای ۱۰ سال برای پدر قیم گمارده شود و هنگامی که ۱۰ سال سپری شد، دختر در همسری کسی نیست و قیم پدر خواهد بود (بهرامان، ۱۳۹۳: ۱۴۹؛ 2-3: Perikhania, 1980).

۲. چنانچه (زنی) بگوید که من برای ۱۰ سال تن به همسری تو دادم، آنگاه او می‌تواند در (این) ۱۰ سال در وضعیت یک زنی باقی بماند (بهرامان، ۱۳۹۳: ۲۱۳).

۳. چنانچه کسی بگوید که من تا ۱۰ سال تن به زناشویی با مهرین دادم، (آنگاه) چنانچه (آن) زن در (طول) ۱۰ سال بمیرد، جهیزیه و (تمام) لوازم (او) برای

ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۳۵

مهرین می‌ماند (همان: ۲۸۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، دختر با رضایت سرپرست خود برای مدت معینی به عقد مردی درمی‌آید و پس از پایان آن مدت دختر در همسری کسی نیست. البته با توجه به طبقاتی بودن جامعه ساسانی، بارتلمه این نوع ازدواج را مختص طبقه اشراف می‌داند (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۱).

در اسلام، ازدواج موقت دارای اسامی مختلف از جمله «مُتْعَه» (خمینی، ۱۳۸۶: ۲۵۸/۲)، «نکاح متعه» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۴۰) یا «متعه زنان» (امینی، ۱۳۶۸: ۲۰۵/۶-۲۲۰) است و آن، ازدواجی است که زن با قرائت صیغه‌ای، خود را برای زمانی معین و محدود، به ازدواج مرد درمی‌آورد (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۵۰). مسلمانان در مشروع بودن متعه در دوره پیامبر (ص) اتفاق نظر دارند و فقهای امامیه این ازدواج را نیز پس از پیامبر مشروع می‌دانند. در این باره، فقها به دو دلیل قرآن (نساء: ۲۴) و روایات (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۴۸/۵) استناد می‌کنند. موانعی در شرع اسلام برای این نوع ازدواج وجود دارد که عبارت است از: ۱. خویشاوندی نسبی یا سببی بودن زن و مرد؛ ۲. در عده بودن زن و شوهر داشتن وی (عسکری، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۴). از این رو در اسلام زن با توجه به وجود شرایط و نبود موانعی می‌تواند با مرد مد نظرش ازدواج موقت کند.

## ۲.۱. در سنت زرتشتی

در متون زرتشتی انواع مختلفی از ازدواج موقت وجود دارد:

### ۲.۱.۱. ازدواج موقت از نوع خاص

بنا بر آنچه در *مادیان هزار دستان* آمده است چنانچه کسی بگوید من تا ۱۰ سال تن به زناشویی به مردی دادم، در این مدت به ازدواج موقت مرد درمی‌آید (بهرامان، ۱۳۹۳: ۲۸۸). به دلیل اینکه توضیح بیشتری برای این نوع ازدواج وجود ندارد، ظاهراً با آنچه در اسلام از جهت الفاظ ایجاب از طرف زن و تعیین مدت آمده است شبیه به ازدواج موقت در اسلام است.

### ۲.۱.۲. ابدال<sup>۲</sup>

این نوع ازدواج به دو نوع تقسیم می‌شود:

**الف. ستر (Satar)؛ سترزنی (satarzan)** زمانی اتفاق می‌افتاد که جوانی پانزده‌ساله، پیش از ازدواج و بدون پسر و وارث از دنیا می‌رفت. در این صورت، از این طریق در صدد باقی‌ماندن نام و نشان برمی‌آمدند و از این راه نام خاندان را حفظ

می‌کردند. زن پس از پذیرفتن ستري و ازدواجی به شکل نمادین با فرد درگذشته، پادشاه‌زن او بود تا به عنوان چکرزن شوهر درگذشته‌اش با مرد دیگری ازدواج کند و نخستین پسرش را به نام او می‌گذاشت (شهزادی، ۱۳۲۸: ۴۶؛ کریمی زنجانی اصل، ۱۳۷۸: ۶۶۹). هنگامی که پسری به دنیا می‌آمد و به سن بلوغ می‌رسید، همه اموال آن مرد که در اختیار ستر بود به آن پسر می‌رسید (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۴: ۲۰۴؛ صفای اصفهانی، ۱۳۷۶: ۲۹۲).

در کل سه نوع ستر وجود داشته: ۱. «ستر بوده» (ستر طبیعی) که شامل پادشاه‌زن و پادشاه‌دختر می‌شود؛ ۲. «ستر کرده» که با وصیت معین می‌شود؛ ۳. «ستر گمارده» که به دلیل نبود «ستر بوده» یا «ستر کرده»، موبدان صلاحیتش را تشخیص می‌دادند و او را بدین کار می‌گماشتند (همان).

در ازدواج نیایی شوی ستور (چکر) سرپرست زن ستر (چکر) می‌شود و جز کوشش در تولید فرزند ذکور برای متوفا، وظیفه‌ای بر عهده ندارد و بعد از تولد فرزند یا فرزندان، ازدواج ستري فسخ‌پذیر است، اما سرپرستی زن و فرزندان صغیر تا بلوغ پسر ستور (در پانزده سالگی) و تقیل قیمومیت خاندان پدر قانونی و متوفا از طرف وی، بر شوی (پدر) ستر فرض است (شکی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

**ب. ایوگین (AYÖKĒN)؛ ایوگین یا ازدواج ایوکزنی، هنگامی بود که دختری یگانه فرزند پدر و مادرش بود. وقتی شوهر می‌کرد او را ایوکزن، یعنی یگانه‌زن، می‌نامیدند و نخستین پسر چنین زنی به پدر و مادر آن زن تعلق می‌گرفت و نام خانوادگی پدر و مادر آن زن به این فرزند پسر داده می‌شد تا جانشین آنها شود (شهزادی، ۱۳۲۸: ۴۵؛ Hjerrild, 1993: 53).** در این صورت هیچ مردی نمی‌توانست او را به عنوان پادشاه‌زن به همسری درآورد. پسر و دخترهایی که به دنیا می‌آورد شرعاً متعلق به پدرش بودند (صفای اصفهانی، ۱۳۷۶: ۲۶۷؛ اون والا، ۱۹۲۲: ۱۸۴؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۴: ۱۸). در صورتی که مرد، پادشاه‌زن نداشته اما دختر یا خواهری داشته باشد، آن دختر یا خواهر موظف است تحت عنوان «ایوگین» ازدواج چگری انجام دهد تا برای پدر یا برادر خود وارث و جانشین به دنیا آورد (Shaki, 1987: 149). پریخانیان معتقد است به دلیل قدرت و اختیاری که رئیس خانواده و شوهر داشت، این حق را داشت تا دختر ایوگینش را به ازدواج موقت بدهد (Perikhanian, 1983: 650).

بنا بر متون زرتشتی در ازدواج ایوگینی زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند و شوهر سالار زن نیست. ایوگین زن، دو تکلیف را باید می‌پذیرفت: یکی تکلیف دینی برگزاری آیین و مراسم درگذشتگان و نیاکان خاندان و دیگری تکلیف اقتصادی و اجتماعی اداره اموال خاندان (مزدپور، ۱۳۸۶: ۹۹؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۴: ۲۰۲). شوهر ایوکزن برای مدتی قیم و سرپرست دارایی پدرزن درگذشته‌اش بود و در صورتی که ایوکزن دو پسر می‌آورد، یکی برای جانشینی پدرش و دیگری را برای جانشینی شوهرش انتخاب می‌کردند (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۷۸: ۶۶۹).

ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۳۷

فسخ ازدواج ستور و ایوگین، پس از به دنیا آمدن فرزند نکور است؛ چنانچه هدف در هر دو یکی بوده و صرفاً وسیله فرق داشته است؛ در یکی زن عادی و در دیگری زنی از خانواده متوفا بوده است.

#### ۲.۱.۳. استقراضی<sup>۲</sup>

دیگر ازدواج معمول در عصر ساسانی، ازدواج با «زن عاریتی» بوده که «ازدواج استقراضی» نامیده می‌شود (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۵۶)؛ یعنی ازدواجی که مرد حتی بدون اجازه زن اصلی‌اش می‌توانست او را به ازدواج مرد دیگری در مدتی معین درآورد. تعیین مدت به عهده طرفین قرارداد بود. در این نوع ازدواج، شوهر دوم بهره‌ای از مال و دارایی‌های زن نداشت؛ اما در مقابل شوهر دوم وظیفه نگهداری کامل و برطرف کردن نیازمندی‌های زن موقتش را بر عهده می‌گرفت. کودکان حاصل از این ازدواج نیز متعلق به شوهر اصلی بودند (همان: ۵۷؛ کریستین سن، ۱۳۹۴: ۴۴۲). متن پهلوی *روایات داراب هر مزدیار*، چگرنی را در زمره ازدواج استقراضی نمی‌پندارد (اون والا، ۱۹۲۲: ۱۸۶؛ Dhabhar, 1932: 202)، اما کارلسن معتقد است زنی هم که شوهرش زنده بود چه‌بسا برای مدت معین و محدود موظف می‌شد با مرد دیگری ازدواج چگری کند تا برای شوهرش وارث و جانشین به دنیا آورد (Carlsen, 1984: 104-105).

تصویری که ازدواج استقراضی از این زن نمایش می‌دهد بازتصویر قدیمی از زن به عنوان شیء (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۰) است. مسئله کودکان وی نیز نظیر وضع حقوقی کودکان کنیز است که برای خدمت‌کردن اجاره داده می‌شدند. این کودکان در مدت اجاره، ملک ارباب اصلی محسوب می‌شدند نه ملک کارفرما و ارباب موقت (همان: ۵۸). این نوع ازدواج در میان طبقات دوم اجتماع صورت می‌گرفت. زیرا علاوه بر اینکه در این طبقات سیستم «یک‌همسری» متداول بود، مردان خانواده‌های اشراف نیز به علت چندهمسری، کمتر نیازی به «همسر عاریتی» پیدا می‌کردند (همان: ۵۹). در متن‌های حقوقی زمان ساسانیان، به‌ویژه *ماتیکان هزار داتستان*، درباره ازدواج استقراضی به تفصیل سخن گفته شده است. در *وندیداد* (دوست‌خواه، ۱۳۸۵: ۶۷۸ و ۸۲۲) نیز به‌اختصار در این زمینه اشاراتی شده است. در *دینکرد* و *روایت پهلوی* نیز مطالب مفصل‌تری هست (رضی، ۱۳۷۶: ۵۰۸).

#### ۲.۱.۴. خویدوده

خویدوده یا ازدواج با خویشان نزدیک نیز یکی از انواع ازدواج‌هایی است که در ایران باستان در میان عیلامیان (بروسیوس، ۱۳۸۷: ۵۵؛ گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۰) در بین

شاهان عهد کهن (مزداپور، ۱۳۵۴: ۱۲۰؛ یادگار زیریران، ۱۳۸۴: ۲۰۷؛ کریستین سن، ۱۳۹۴: ۳۲۱-۳۲۲؛ زرین کوب، ۱۳۷۵: ۲۱۴؛ روح‌الامینی، ۱۳۷۵: ۱۵۲-۱۵۳) رایج بوده و شواهدی از این عمل در متون پهلوی مثل *بندهش* (فرنیغ دادگی، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۳)، *دینکرد* (بهار، ۱۳۷۶: ۲۰۶)، *اردویرافنامه* (۱۳۷۲: ۲۴)، *شایست ناشایست* (۱۳۹۰: ۱۰۱)، *مینوی خرد* (۱۳۵۴: ۳۶) و همچنین در *شاهنامه* فردوسی (فردوسی، ۱۳۸۹: ۴۸۳) وجود دارد. ازدواج موقت از نوع خریدوده می‌توانست به مدت یک تا چهار سال منعقد گردد (ماتسوخ، ۱۴۰۰: ۱۰۹).

### ۲.۲. در اسلام

در اسلام فقط یک نوع ازدواج موقت وجود دارد و آن نوعی از پیمان زناشویی در مذهب شیعه است که مهر و مدت در آن معین شده باشد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۴۶۸).

### ۳. فلسفه و هدف

در تمامی انواع ازدواج‌های موقت در آیین زرتشت، یعنی ازدواج موقت از نوع خاص (بهرامان، ۱۳۹۳: ۲۸۸)، ستر، ایوگین و ازدواج استقراضی چهار هدف مهم دیده می‌شود:

**الف. حصول اطمینان از تداوم نام‌پرَداری؛** دودمان مرد با فرزندآوری حفظ می‌شده و فرزندان نام و جایگاه وی را در خاندان و همچنین جایگاه او در جامعه و مقام او را در طبقه اجتماعی نیز به ارث می‌برند (ماتسوخ، ۱۴۰۰: ۱۱۰).

**ب. به دنیا آوردن فرزند پسر برای مردی که فوت کرده است یا از زن خود فرزند پسر ندارد [ستر یا ازدواج ابدال]؛** همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، در سنت زردشتی، پیوند زناشویی جایگاه والایی داشت و ازدواج، واجب به شمار می‌آمد. یکی از تکالیف اصلی هر زردشتی بعد از تشکیل خانواده، باقی‌گذاشتن فرزندی پسر بود که علاوه بر روشن نگه‌داشتن اجاق خانواده (ماتسوخ، ۱۴۰۰: ۱۱۰؛ دوست‌خواه، ۱۳۸۵: ۳۳۳)، سبب عبور شخص از پل چینود هم بشود (علوی، ۱۳۷۸: ۱۸؛ بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۶)، در غیر این صورت اگر دنیا را بدون وارث و امی‌گذاشت، راهی به بهشت نداشت (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۶۷؛ بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۶). اگر خانواده از داشتن فرزند پسر محروم بودند، راهکارهایی وجود داشت. یکی از آنها وجود انواع ازدواج‌ها در این سنت بود.

**ج. وجود وارثی که اموال خانواده را حفظ کند؛** ارث در بین زرتشتیان مهم



ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۳۹

محسوب می‌شد (آیین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان مصوب ۱۳۸۶؛ صفای اصفهانی، ۱۳۷۶: ۱۷). ایشان معتقد بودند اموالی که نسل‌های متوالی در خانواده گرد آورده‌اند، باید به دست کسانی برسد که با صاحبان قبلی آن اموال وابستگی داشتند (بادامچی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۲۲). در خانواده زرتشتی پدر رئیس خانواده بود و فرزندان تابع محض پدر بودند. هر گاه دختری را شوهر می‌دادند، آن دختر از خانواده و تیره پدر خارج، و داخل در خانواده و تیره شوهر می‌شد (علوی، ۱۳۷۸: ۱۷). بر این اساس، برای حفظ میراث خانواده نقش اصلی را در بین فرزندان، پسران ایفا می‌کردند. اگر در خانواده زرتشتی فرزندی که میراث آن را حفظ کند وجود نداشت، مرد می‌توانست به انواع دیگر ازدواج روی آورد.

**د. تعویض و مبادله زن؛** در ازدواج استقراضی شوهر حق داشت یگانه زن خود یا یکی از زنانش را (حتی زن ممتاز خود را) به مرد دیگری که محتاج شده بود، بسپارد تا این مرد از خدمات آن زن استفاده کند (کریم‌ستین سن، ۱۳۹۴: ۴۴۲). بارتلمه علاوه بر اینکه ازدواج استقراضی را نوعی از ازدواج موقت می‌داند، هدف از این ازدواج را علاوه بر تعاون و خیرخواهی، امور دیگری نیز می‌داند. وی می‌گوید: «علت فراوانی ازدواج استقراضی قطعاً این بوده است که به مناسبات دلخواه دیگری به جز علت «تعاونی و خیرخواهانه»، از آن استفاده می‌شده است» (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۵۸-۶۰).

اهدافی که برای ازدواج موقت در اسلام ذکر شده به شرح ذیل است:  
**الف. تولید نسل و تشکیل خانواده؛** یکی از اهداف حکیمانه ازدواج در نظر اسلام، تولید نسل و تشکیل نهاد خانواده است، چه‌بسا افرادی به انگیزه توالد و تناسل نیز اقدام به ازدواج موقت می‌کنند (پارسا، ۱۳۸۷: ۸۴).

**ب. ارضای غریزه جنسی از طریق مشروع؛** طبق نظر اسلام، ارضای قوه شهوانی و مسئله جنسی فقط از راه مشروع آن، یعنی ازدواج دائم یا موقت، جایز است (همان).

**ج. جلوگیری از انحراف و فساد در جامعه بشری؛** محمدحسین کاشف‌الغطاء معتقد است ازدواج موقت حربه‌ای مؤثر برای مبارزه با فحشا و بسیاری از انواع انحرافات جنسی است و می‌تواند بخش اصلی مشکل جنسی جوانان را حل کند و بسیاری از مفاسد اجتماعی را که از این رهگذر دامنگیر کوچک و بزرگ می‌شود ریشه‌کن کند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۰: ۳۸۷).

**د. تأمین بهداشت روان و سلامت اخلاقی؛** از قرآن کریم و احادیث استفاده می‌شود که ازدواج بر بهداشت جسم و روان تأثیر بسزایی دارد. تأمین محبت، خرسندشدن و لذت‌بردن، به‌رمندی معنوی و محبت برای فضیلت و بزرگی از آثار آن است (روم: ۲۱).

پارسا، ۱۳۸۷: ۸۴).

**ه. ازدواج موقت به قصد محرم‌شدن؛ ۱.** ازدواج موقت هر چند برای لذت‌بردن هم نباشد، بلکه به قصد محرم‌شدن نزدیکان آن دختر باشد جایز است، مشروط بر اینکه دختری را که به ازدواج موقت درمی‌آورند در حدی باشد که بتوان از آن لذت جنسی برد. مثلاً اگر کوچک است باید وقت را چنان تنظیم کنند که دوران آمادگی دختر را شامل شود، هر چند بعد از عقد باقی‌مانده مدت را ببخشند (<https://makarem.ir/main.aspx?reader=1&lid=0&mid=16276&catid=6508&pid=61853>)؛ ۲. پدر یا جد پدری می‌تواند برای محرم‌شدن با زنی او را به عقد موقت پسر نابالغ خود درآورد (به شرط اینکه مدت عقد به اندازه‌ای باشد که پسر به حد بهره‌گیری جنسی برسد) و نیز می‌تواند دختر نابالغی را برای محرم‌شدن بستگان به عقد کسی درآورد (به همان شرط که درباره پسر گفته شد) و در هر دو صورت بنا بر احتیاط واجب باید عقد فایده‌ای برای آن دو داشته باشد و خالی از مفسده باشد.

**و. اهداف دیگر؛** ازدواج موقت در اسلام صرفاً برای بهره‌بردن از لذت جنسی نیست، چراکه مثلاً می‌توان در آن شرطی قرار داد که رابطه جنسی برقرار نشود. موسوی خمینی در این باره می‌گوید: «زنی که صیغه می‌شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می‌تواند لذت‌های دیگر از او ببرد، ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می‌تواند با او

نزدیکی نماید» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸۲). در واقع، مسئله ازدواج موقت و اینکه اسلام این نوع ازدواج را اجازه داده است نه برای شهوت‌رانی، بلکه برای حالتی ضروری است (مطهری، ۱۳۹۱: ۲۷/۲۲۵ و ۲۶/۴۳۷). از نظر اسلام، هر گاه شرایط ازدواج دائم فراهم نباشد، ازدواج موقت یگانه راه معقول و مشروع آن خواهد بود و نهایتاً این نوع از ازدواج اگر با شرایط معقول و رعایت موازین شرعی انجام شود و دستاویزی برای هوس‌بازی هوس‌بازان و فساد بیشتر نشود به‌یقین کار ساز است (<https://makarem.ir/main.aspx?reader=1&lid=0&mid=16276&catid=6508&pid=61853>).

#### ۴. حقوق و تکالیف

در سنت زرتشتی و همچنین اسلام زن با تن‌دادن به ازدواج موقت، دارای حقوق و تکالیف مختلفی می‌شود، از جمله:

##### ۴.۱. اذن

یکی از ارکان اصلی ازدواج و پیوند زناشویی دائمی بین دختر و پسر زرتشتی، اذن پدر است. در صورت فقدان آن علاوه بر اینکه پیوند برقرار نشده، دو طرف گنهکار محسوب می‌شوند و دختر باید از عهد خود بازگردد. در آیین زرتشت شوهرکردن جز با رضایت پدر ممکن نیست (Perikhanian, 1980: 2-5) که این در پرسش

ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۴۱

اول و هفدهم روایات آنرفرنبغ فرخزادان مشاهده می‌شود. آنرفرنبغ فرخزادان (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۴: ۱۴)، آنکلساریا (Anklesari, 1969: 17) و همچنین تورج دریایی (دریایی، ۱۳۸۶: ۱۷۳) معتقدند ازدواج برای دختران، بدون اذن سرپرستشان (پدر، پدربزرگ و ... غیرمجاز بود. ازدواج موقت نیز با رضایت سالار دختر صورت می‌پذیرفت، اما تفاوت اساسی در این است که رضایت سالار شرط صحت ازدواج موقت نیست. حال اگر ازدواج موقت بدون رضایت پدر یا سالار اتفاق می‌افتاد، دختر از نفقه محروم نمی‌شد و مخارج دختر از طریق پدر یا سالارش تأمین می‌شد (بادامچی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۲۹؛ Perikhanian, 1980: 1-3).

در بحث اذن پدر در اسلام بین زن مطلقه، باکره صغیره و رشیده تفاوت وجود دارد. زن مطلقه مطلقاً و زن رشیده با توجه به شرایطی، نیازی به گرفتن اذن از پدر ندارند (استفتائات جدید، اولیاء عقد، در: <https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=279>). اما درباره باکره صغیره اختلاف نظر وجود دارد. برخی به حرمت تکلیفی قائل‌اند و معتقدند باید با اجازه پدر عقد صورت گیرد و برخی دیگر به حرمت وضعی قائل‌اند و در اجازه گرفتن احتیاط واجب می‌کنند. موسوی خمینی و سیستانی به حرمت تکلیفی معتقدند و می‌گویند اگر ازدواجی بدون اجازه صورت پذیرد عقد صحیح نیست (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۵۸). در مقابل، بهجت، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی (همان)، تبریزی (تبریزی، ۱۳۸۴: ۳۳۴/۲) و وحید خراسانی (وحید خراسانی، ۱۳۹۸: ۴۶۳) معتقدند احتیاط واجب آن است که با اجازه پدر یا جد پدری دختر باشد. اگر اجازه گرفته نشود دو طرف گنهکارند و باید توبه کنند. سید علی خامنه‌ای در جایی که دختر به ازدواج نیاز دارد و خواستگار هم کفو شرعی و عرفی او است و در حال حاضر، خواستگار دیگری که واجد شرایط باشد برایش نیست، اذن پدر را ساقط می‌داند (استفتائات جدید، اولیاء عقد، در: <https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=279>). وی نکاح موقت با اهل کتاب را نیز جایز می‌داند اما معتقد است دختر باکره، بنا بر احتیاط باید از پدرش اذن بگیرد (استفتائات جدید، اولیاء عقد، در: <https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=279#3869>).

#### ۴.۲. کار در خانه

در سنت زرتشتی یکی از مباحث مهم در بحث ازدواج موقت، کار زنان در خانه است. کار در خانه یکی از وظایف مهمی است که بر عهده زنان صیغه‌ای بوده است. زنان از هر حیث تحت سلطه مرد بودند و مرد مجاز بود هر گونه بخواهد دستور دهد و زن به اطاعت بی‌چون و چرا محکوم بود (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۶۲). به‌علاوه، زنان بیشتر نقش کمک‌کار و خادم پادشاه‌زن را در صحنه خانه و خانواده بازی می‌کردند (همان: ۵۴). از این‌رو سوای اینکه زن، حقوقی در این باره دریافت می‌کرد

یا نه، وظیفه داشت آنچه را مرد امر می‌کرد، در خانه انجام دهد. در اسلام، همان‌گونه که در ازدواج دائم، کار خانه بر زن واجب نیست، زن در ازدواج موقت هم وظیفه‌ای ندارد. موسوی خمینی معتقد است:

نشوز در زوجه عبارت از این است که از اطاعت شوهر، آن مقدارش که واجب است خارج شود، مثلاً خود را در اختیار او قرار ندهد و چیزهای نفرت‌آوری که منافات با تمتع و التذاذ شوهر از زن دارد را از خود دور نسازد، حتی در موردی هم که شوهر تقاضای آرایش از او دارد ترک تنظیف و آرایش نیز از مصادیق نشوز است و همچنین بیرون رفتن از خانه بدون اذن شوهر و کارهایی دیگر از این قبیل نشوز است و اما اطاعت نکردن شوهر در کارهایی که شرعاً به عهده زن نیست نشوز به شمار نمی‌آید، پس اگر از خدمت در خانه سرباز زند و در تأمین حوائج شوهر حوائجی که مربوط به کام‌گرفتن از وی نیست از قبیل جاروب کردن، خیاطی یا طبخ غذا و امثال اینها کوتاهی کند ناشزه نمی‌شود تا جایی که اگر آب خوردن به شوهر ندهد یا رختخواب نیندازد باز هم ناشزه نیست (خمینی، ۱۳۸۶: ۶۰۲).

بنابراین، اگر در ضمن عقد شرطی صورت پذیرفته باشد، زن راجع به کار در خانه هیچ‌گونه وظیفه‌ای ندارد.

#### ۳.۴. تعداد زنان صیغه‌ای

در سنت زرتشتی به علت وجود نظام طبقاتی، مردم طبقه پایین این هرم قادر به بالا بردن طبقه خود نبودند و برای همیشه خود، نوادگان و پیشینیانشان در همان طبقه باقی می‌ماندند. برخورداری شخص از موقعیت‌های مختلف ارتباط بسیار به ثروت و موقعیت اجتماعی و شغلی‌اش بود (بارتمه، ۱۳۳۷: ۱۳). از این‌رو، نظام طبقاتی بر ازدواج حاکم بود، به طوری که مردان بر اساس طبقه خود مجاز به ازدواج موقت بودند و تعداد زنان صیغه‌ای نیز بر اساس طبقه تعریف می‌شد. در اسلام تعداد زنان صیغه‌ای محدودیتی ندارد (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۵۱). هر چند درباره محدودیت ازدواج موقت و تعداد زنانی که مرد می‌تواند با آنها در یک زمان ازدواج موقت کند احادیث معتبری نقل شده، اما در ازدواج موقت محدودیتی از نظر تعداد نیست. با توجه به منشأ صدور این روایات و نیز مجموعه روایات این باب می‌توان گفت ازدواج موقت محدودیت‌هایی دارد؛ توضیح اینکه، در کتب حدیثی بابی با عنوان «کراهت متعه با وجود بی‌نیازی از آن» منعقد شده است؛ یعنی کسی که به

ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۴۳

متععه نیاز ندارد و زن دائم هم دارد، مکروه است سراغ متعه و ازدواج موقت برود (همان: ۴۵۳). بر این اساس، اصل در اسلام ازدواج دائم است و ازدواج موقت مکروه است، مگر هنگام ضرورت، یا وجود مصلحت.

#### ۴.۴. مهریه زن صیغه‌شده

یکی از مقولات مطرح که جای بحث فراوانی هم دارد بحث مهریه است. به دلیل اینکه زرتشتیان در ازدواج دائمی خود رهایی (طلاق) ندارند، زن از مهریه بهره‌مند نمی‌شود (آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۱۸۸)؛ اما درباره زنان صیغه‌ای وضع متفاوت است. زنانی که به صیغه مردان درمی‌آمدند، در ازای کار روزانه‌شان دستمزدی نمی‌گرفتند، اما مبلغی به عنوان مهریه (صداق) دریافت می‌کردند. بر این اساس، مهریه در ازدواج موقت تعریف شده بود، هر چند مهریه در این نوع ازدواج در برابر کار روزانه زنان بود (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۱۳).

در اسلام قبل از عقد موقت، باید مهریه را تعیین کرد و بدون تعیین مهریه عقد باطل است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و زنانی را که متعه می‌کنید مهر آنها را واجب است بپردازید» (نساء: ۲۴). پرداخت کامل مهر به زن در ازدواج موقت منوط به تمکین جنسی زن از مرد در تمام مدت عقد است. در ازدواج موقت نیز همانند ازدواج دائم، تمکین جنسی زن از مرد وجود دارد، مگر اینکه شرطی قبل از ازدواج وجود داشته باشد.

#### ۴.۵. نفقه زن صیغه‌شده

مسئله دیگر بحث نفقه است. در سنت زرتشتی شوهر موقت هیچ مسئولیتی در قبال نفقه همسر موقت خود نداشت. اگر دختری که درآمد شخصی داشت، بدون رضایت پدر یا سالارش ازدواج موقت می‌کرد، هزینه‌هایش از درآمد خودش تأمین می‌شد. ولی اگر درآمدی نداشت، پدر باید خرج دختر را می‌داد (Perikhanian, 1980: 1-3).

درباره نفقه زن صیغه‌شده در اسلام، مکارم شیرازی معتقد است زن در ازدواج موقت حق خرجی ندارد. موسوی خمینی نیز درباره حق نفقه زن صیغه‌شده معتقد است زنی که صیغه شده اگرچه آبستن شود حق خرجی ندارد (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸۲). بر این اساس، طبق قانون، نفقه زن در ازدواج موقت بر شوهر واجب نیست مگر اینکه زن و مرد قبل از عقد، پرداخت نفقه را شرط کرده باشند (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۱۱۳). تنها استثنا در این میان زکات فطره است که در ازدواج موقت همانند ازدواج دائم زکات فطره زن بر عهده شوهر است (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۷: ۲۱۰).

#### ۴.۶. مدت

یکی از ارکان ازدواج موقت، زمانند بودن و محدوده زمانی است که طرفین باید درباره‌اش توافق کنند. در دین زردشتی، ازدواج موقت محدود به زمان معینی بوده و بعد از سپری شدن آن زمان، بدون اینکه طلاق در کار باشد، زن و مرد از هم جدا می‌شدند. در *مادیان هزار داستان*، به سه سال و ده سال اشاره شده است (بهرامان، ۱۳۹۳: ۲۸۸؛ Anklesari, 1912: 1-4؛ Perikhanian, 1980: 11-17).

در اسلام باید مقدار وقت، تعیین شده باشد و بدون آن باطل است (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸۱). مدت باید معین، محدود و با توافق زن و مرد باشد و با پایان آن رابطه زوجیت خود به خود منقضی می‌شود.

#### ۴.۷. ارث زن صیغه‌شده

رابطه توارث، یعنی رابطه‌ای که در آن طرفین از یکدیگر ارث می‌برند. در سنت زرتشتی، زن از مردی ارث می‌برد که ازدواج بین آنها، ازدواج دائم باشد. زنان زرتشتی صیغه‌شده، در ازای کار روزانه در منزل همسر، علاوه بر اینکه دست‌مزدی نمی‌گرفتند، حتی بر ارث هم نداشتند (بهرامان، ۱۳۹۳: ۲۸۸؛ بارتلمه، ۱۳۳۷: ۵۵).

از این‌رو ارث، از چیزهایی است که زن زرتشتی صیغه‌شده از آن محروم است. در اسلام زن و مرد در عقد موقت، چه در فقه و چه قانون، هیچ جایگاهی در احکام ارث ندارند و از یکدیگر ارث نمی‌برند، مگر اینکه ضمن عقد شرط کرده باشند (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵: ۷۴۲؛ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۹۴۰)؛ بنابراین، برخلاف ازدواج دائم، در ازدواج موقت زن از همسرش ارث نمی‌برد.

#### ۴.۸. فرزندان متولدشده از زن صیغه‌شده

یکی از امور مهمی که باید به آن پرداخته شود تعیین تکلیف فرزندان متولدشده از ازدواج موقت است. در سنت زرتشتی، علاوه بر اینکه زن صیغه‌شده از ارث بهره‌ای نداشت، اگر ثمره این ازدواج فرزند یا فرزندی بود آنها هم از مرد ارث نمی‌بردند و نام و نسب مرد به آنها نمی‌رسید (بهرامان، ۱۳۹۳: ۲۸۸). نسب رابطه خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندانشان مربوط می‌کند و این‌گونه نسب به معنای رابطه پدر و فرزندی یا مادر و فرزندی است که فرزندان به دنیا آمده از ازدواج موقت در سنت زرتشتی از آن محروم‌اند.

در اسلام اگر به هر دلیلی زن و شوهری که با یکدیگر ازدواج موقت کرده‌اند صاحب اولاد شوند این فرزند یا فرزندان از نظر حقوقی هیچ تفاوتی با فرزندان حاصل از ازدواج دائم نخواهند داشت و تمام شئونات ایشان را دارا خواهند بود. نفقه این فرزندان بر عهده پدر است. همچنین، از پدر و مادرشان ارث نیز می‌برند (مکارم

ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۴۵

شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۰۱). از این‌رو فرزندی که در ازدواج موقت از این رابطه حاصل می‌شود، مشروع است و از تمامی حقوق اولاد، طبق قانون برخوردار خواهد بود.

#### ۹.۴. وظایف جنسی

زنان صیغه‌ای در خانه مرد زرتشتی، علاوه بر اینکه در حکم کارگر بودند و کار می‌کردند، مشترکاً نیز به او خدمات جنسی می‌دادند. مرد همچنین حق داشت یکی از زنان صیغه‌ای‌اش را با رضایت یا بدون رضایت او به یکی از پسران خود واگذار کند. در مجموع، می‌توان گفت زنان کارگر شاغل در کارگاه‌ها و خانه‌ها، در حکم زنان صیغه‌ای صاحب کارگاه بودند که می‌بایست بدون دست‌مزد و فقط در ازای خوراک و پوشاک و مبلغی مهریه برای او کار کنند و رضایت جنسی او و پسرانش را نیز برآورده سازند (بهرامان، ۱۳۹۳: ۲۸۸).

در امور جنسی مربوط به ازدواج موقت در اسلام، زن وظیفه دارد از مرد تمکین کند، مگر اینکه تمکین نکردن، حین عقد شرط شده باشد؛ اما مرد در این زمینه وظیفه‌ای در قبال زن ندارد، مگر اینکه قبل یا در حین عقد راجع به تمکین متقابل شرط شده باشد (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸۲)؛ و اگر زن نداند که حق همخوانی ندارد عقدش صحیح است و چون نمی‌داندسته، حتی بر شوهر پیدا نمی‌کند (همان). از این‌رو، در ازدواج موقت، اگر زوجین در ضمن عقد شرطی برای محدودیت همدیگر ایجاد نکرده باشند، زن موظف است از مرد تمکین کند.

#### ۱۰.۴. الفاظ ایجاب و قبول

همان‌گونه که گذشت، در *مادبان هزار داستان*، دو نوع صیغه قبول در ازدواج موقت برای زن دیده شده است:

چنانچه (زنی) بگوید «من برای ۱۰ سال تن به همسری تو دادم» (بهرامان، ۱۳۹۳:

۲۱۳).

چنانچه کسی بگوید «من تا ۱۰ سال تن به زناشویی با تو دادم» (همان: ۲۸۸).

اما از نظر اسلام، ارکان تشکیل‌دهنده ازدواج را ایجاب و قبول تشکیل می‌دهند. در این خصوص تفاوتی بین عقد دائم و عقد موقت نیست، به جز اینکه در صیغه عقد موقت باید مدت و مهر تعیین شده باشد، ولی در صیغه عقد دائم، مدت وجود ندارد و تعیین مهر هم واجب نیست (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸۱). اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیردائم را بخوانند، بعد از آنکه مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید: «زوجتک نفسی فی المدة المعلومة علی المهر المعلوم» و بعد بدون فاصله مرد بگوید: «قبلت» صحیح است؛ و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «متعت موکلتی موکلک فی المدة المعلومة علی المهر

المعلوم» و سپس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قبلت لموکلای هکذا»، صحیح است (همان: ۴۵۳)؛ بنابراین، علاوه بر اینکه باید مدت و مهر مشخص باشد، می‌توان دیگری را برای اجرای صیغه عقد وکیل کرد.

#### ۴.۱۱. طلاق در ازدواج موقت

یکی از مسائل مرتبط با ازدواج مقوله طلاق است. در سنت زرتشتی، چه در ازدواج دائم و چه موقت، طلاق اختیاری نیست (آیین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران، ماده ۲۱). طلاق در سنت زرتشتی بسیار ناپسند است، به گونه‌ای که در روایت آذرفرنبغ درباره طلاق در ازدواج دائم آمده است: «اگر دختری نُه‌ساله به سن بلوغ برسد و به ازدواج مردی درآید و پس از مدتی از همسری شوهرش روی‌گردان شود، گناهکار و سزاوار مرگ خواهد بود» (نک: Anklesaria, 1969, Question 14). اما در ازدواج موقت با پایان‌یافتن مدت توافق‌شده، زن و مرد از یکدیگر جدا می‌شدند (بادامچی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۳۱).

در اسلام در دو حالت (پایان‌یافتن مدت، بخشیدن مدت از طرف مرد) ازدواج موقت خاتمه می‌یابد. در ماده ۱۱۳۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه با انقضای مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می‌شود»؛ اما پایان‌دادن به عقد موقت به یکی از دو صورت ممکن است؛ یا مرد باقی‌مانده مدت را ببخشد، یا مدت به خودی خود تمام شود، که در این صورت رابطه زوجیت از بین می‌رود و مرد باید تمام مهریه زن را به او بدهد، خواه دخول شده باشد یا نه (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۱۵).

#### ۴.۱۲. عده

عده در سنت زرتشتی وجود ندارد؛ اما در اسلام زن پس از جدایی، یعنی پس از تمام‌شدن مدت یا بخشیدن آن، باید عده نگه دارد و حق ازدواج با دیگری را ندارد و آن عبارت است از دو نوبت عادت ماهانه، یا گذشت ۴۵ روز از زمان جدایی (یزدی،

۱۴۰۹: ۸۱۴/۲).

نمودار مقایسه‌ای مباحث فوق

ردیف	حقوق و تکالیف زن	در سنت زرتشتی اواخر ساسانی	در اسلام (مذهب شیعه دوازده‌امامی)
۱	اذن	رضایت سالار شرط صحت ازدواج موقت نیست.	در اسلام بین زن مطلقه، باکره صغیره و رشیده تفاوت وجود دارد. زن مطلقه مطلقاً و زن رشیده با توجه به شرایطی، نیازی به گرفتن اذن پدر ندارند؛ اما درباره باکره صغیره برخی به حرمت تکلیفی و برخی



ردیف	حقوق و تکالیف زن	در سنت زرتشتی اواخر ساسانی	در اسلام (مذهب شیعه دوازده امامی)
			به حرمت وضعی قائل‌اند.
۲	کار در خانه	زن تحت سلطه مرد و کمک‌کار و خادم	بر زن واجب نیست.
۳	تعداد زنان صیغه‌ای	تعداد زنان صیغه‌ای هر مرد به ثروت، و موقعیت اجتماعی و شغلی‌اش وابسته است.	محدودیتی ندارد.
۴	مهریه زن صیغه‌شده	مبلغی را به عنوان مهریه دریافت می‌کردند.	بدون تعیین مهریه عقد باطل است.
۵	نفقه زن صیغه‌شده	تامین خوراک و پوشاک	خرجی بر عهده مرد نیست، به استثنای زکات فطره زن که به عهده شوهر است.
۶	مدت	به سه سال و ده سال اشاره شده است.	باید مقدار وقت تعیین شده باشد و بدون آن باطل است.
۷	ارث زن صیغه‌شده	حقی بر ارث ندارد.	زن و مرد از یکدیگر ارث نمی‌برند، مگر اینکه ضمن عقد شرط کرده باشند.
۸	فرزندان متولدشده از زن صیغه‌شده	از مرد ارث نمی‌برند و نام و نسب مرد نیز به آنان نمی‌رسد.	علاوه بر مشروع‌بودنشان، از نفقه، ارث و تمامی حقوق اولاد، طبق قانون برخوردار خواهند بود.
۹	وظایف جنسی	باید رضایت جنسی مرد و پسران وی را نیز برآورده کنند.	زن وظیفه دارد از مرد تمکین کند، مگر اینکه تمکین نکردن، حین عقد شرط شده باشد؛ اما در این خصوص مرد وظیفه‌ای در قبال زن ندارد، مگر اینکه قبل یا حین عقد راجع به تمکین متقابل شرط شده باشد.
۱۰	الفاظ ایجاب و قبول	ایجاب را زن می‌خواند.	ارکان تشکیل‌دهنده ازدواج را ایجاب و قبول تشکیل می‌دهند و بدون آنها عقدی محقق نمی‌شود.
۱۱	طلاق در ازدواج موقت	با پایان یافتن مدت توافق، زن و مرد از یکدیگر جدا می‌شدند.	پایان دادن به عقد موقت به یکی از دو صورت ممکن است؛ یا مرد باقی‌مانده مدت را ببخشد یا مدت به خودی خود تمام شود.
۱۲	عده	وجود ندارد.	دو نوبت عادت ماهانه، یا گذشت ۴۵ روز از زمان جدایی

### نتیجه

پژوهش حاضر به منظور بررسی چگونگی، اصول و اهداف ازدواج موقت در سنت زرتشتی و دین اسلام (مذهب شیعه دوازده امامی) به صورت تطبیقی و با مطالعات کتابخانه‌ای انجام شد. ازدواج موقت در آیین زرتشتی و اسلام همسانی

بسیار دارد؛ اگرچه گاه در اهداف و شرایط این نوع ازدواج مغایرت‌های بنیادین دیده می‌شود. با توجه به وجود رد پای این نوع ازدواج در ایران باستان، سنت زرتشتی و همچنین اعراب جاهلی می‌توان دریافت که ازدواج موقت از احکام تأسیسی اسلام نیست و اسلام ازدواج موقت را پس از جرح و تعدیل، امضا کرده است؛ آن هم به گونه‌ای که عدالت درباره طرفین برقرار شود و هر یک از ایشان به منافع مد نظر خود برسند.

نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که در هر دو سنت زردشتی و اسلام، ازدواج موقت وجود دارد؛ بنا بر شواهد موجود، می‌توان گفت ازدواج موقت موجود در سنت زردشتی علاوه بر وجود نقاط افتراق، از برخی جهات شباهت‌های بسیار با متعه در اسلام دارد. ازدواج موقت در سنت زرتشتی انواع گوناگونی دارد، اما در شریعت اسلام فقط یک نوع از این ازدواج هست. هدف ازدواج موقت در سنت زردشتی به دنیا آوردن فرزند ذکور، وجود وارثی که اموال خانواده را حفظ کند، تعویض و مبادله زن برای برطرف کردن نیاز همکیش نیازمند، مناسبات دلخواه و همچنین حصول اطمینان از تداوم نام‌برداری بود، اما در اسلام هدف ازدواج موقت علاوه بر تولیدمثل، ارضای غریزه جنسی از طریق مشروع، جلوگیری از انحراف و فساد در جامعه بشری و تأمین بهداشت روان و سلامت اخلاقی است. در سنت زرتشتی، دختر با اینکه می‌توانست بدون رضایت سرپرست یا ولی‌اش ازدواج موقت کند اما بهتر بود این عمل با رضایت ایشان انجام پذیرد. اگر دختر بدون اذن ازدواج موقت می‌کرد پدرش مخارجش را تأمین می‌کرد. در بحث اذن پدر در اسلام بین زن مطلقه، باکره رشیده و صغیره و اهل کتاب تفاوت وجود دارد. زن مطلقه و رشیده و نیز دختری که نیاز به ازدواج دارد و خواستگار هم‌کفو دارد و در حال حاضر خواستگار واجد شرایط دیگری ندارد، نیازی به گرفتن اذن از پدر ندارند؛ اما درباره باکره صغیره برخی به حرمت تکلیفی و برخی به حرمت وضعی قائل‌اند. دختر باکره اهل کتاب نیاز به اذن پدر دارد. در حقوق اسلامی، اگر دختر بدون اذن پدر ازدواج کند، هیچ‌گونه محرومیتی بر او اعمال نمی‌شود. در سنت زرتشتی زنان تحت سلطه و فرمان مردان بودند و در خانه نقش کمک‌کار و خادم پادشاه‌زن را بازی می‌کردند؛ اما در اسلام زن راجع به کار خانه هیچ‌گونه وظیفه‌ای ندارد. در سنت زرتشتی تعداد زنان صیغه‌ای هر مرد بسته به ثروت، و موقعیت اجتماعی و شغلی‌اش بود. در اسلام هر چند محدودیتی در تعداد زنان صیغه‌ای وجود ندارد، اما ازدواج موقت در صورت بی‌نیازی مرد، کراهت دارد. رکن اصلی ازدواج موقت در اسلام، مشخص بودن مدت‌زمان و مهریه است، اما در سنت زردشتی بعد از قید مدت‌زمان، زنانی که به صیغه مردان درمی‌آمدند، در ازای کار روزانه دست‌مزدی نمی‌گرفتند، اما مبلغی به عنوان مهریه دریافت می‌کردند. مردان زرتشتی، نفقه زنان صیغه‌ای خود، یعنی خوراک و پوشاک، را تأمین می‌کردند اما در اسلام خرجی زن بر عهده مرد نیست؛ مگر اینکه شرط شده یا عقد بر مبنای آن جاری شده باشد. تنها استثنا، زکات فطره زن است که بر عهده شوهر است. ازدواج موقت در سنت زردشتی

را می‌توانستند برای مدت‌زمان مشخصی مثلاً ده سال منعقد کنند. در اسلام نیز مدت این نوع ازدواج با توافق زوجین به صورت معین و محدود مشخص می‌شود. زن و مرد در عقد موقت، در هر دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند اما در اسلام، اگر شرط ضمن عقد شود، زن ارث خواهد برد. در سنت زرتشتی فرزندان از مرد ارث نمی‌برند و نام و نسب مرد نیز به آنها نمی‌رسد؛ اما در اسلام نفقه این فرزندان همچون ازدواج دائمی بر عهده پدر است و از پدر و مادرشان نیز ارث می‌برند. در امور جنسی مربوط به ازدواج موقت، نظر هر دو دین بر تمکین زن از مرد است. در هر دو دین لفظ ایجاب از طرف زن خوانده می‌شود و مرد قبول‌کننده است. با بذل مدت از طرف مرد در اسلام، ازدواج موقت پایان می‌باید و در هر دو دین با پایان یافتن مدت توافق، زن و مرد از یکدیگر جدا می‌شوند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ازدواج موقت در ایران باستان وجود داشته است (نک: زمانی مقدم، ۱۳۹۷). متعه در میان اعراب جاهلی هم عمل غریبی نبوده است (نک: فروخ، ۱۳۶۳: ۱۵۶؛ خاکسارکندر و باکویی، ۱۳۹۶).
۲. یعنی اگر مردی بمیرد و پسری نداشته باشد، اگر زنی دارد، او را باید به نزدیکترین خویشاوندان متوفا بدهند و اگر زن ندارد، دختر یا نزدیکترین بستگان او را با اقرب خویشان باید نکاح ببندند، ولی اگر هیچ زنی از بستگان او موجود نباشد، از مال شخصی متوفا باید زنی را جهیزیه داده، به یکی از مردان خویشاوند میت بدهند (نک: کریستین‌سن، ۱۳۹۴: ۴۴۳-۴۴۴).
۳. بار تلمه برای این نوع ازدواج عنوان «استقراضی» را به کار گرفته است (بار تلمه، ۱۳۳۷: ۲۶).

## منابع

قرآن کریم.

- انجمن زرتشتیان تهران (۱۳۸۶). *آیین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان*، تهران: بی‌نا.
- آذرگن‌سب، اردشیر (۱۳۷۲). *مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان*، تهران: فروهر، چاپ سوم.
- اردویراف‌نامه، یاء، بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی* (۱۳۷۲). پیش‌گفتار، ترجمه فارسی، متن پهلوی، واژه‌نامه: رحیم عقیقی، تهران: توس.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۸). *الغدیر*، تهران: کتاب‌خانه بزرگ اسلامی.
- اون والا، رستم (۱۹۲۲). *داراب هر مزدیار*، بمبئی: بین.
- بادامچی، حسین؛ غضنفری، کلثوم؛ داوری، پروین (۱۳۹۴). «ازدواج موقت در دین زردشتی و اسلام»، در: *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۷، ش ۴، ص ۵۲۱-۵۳۵.
- بارتلمه، کریستین (۱۳۳۷). *زن در حقوق ساسانی*، ترجمه: ناصرالدین صاحب‌الزمانی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ دوم.
- بروسیوس، ماریا (۱۳۸۷). *زنان هخامنشی*، ترجمه: هایده مشایخ، تهران: هرمس.
- بنی‌هاشمی خمینی، سید محمدحسن (۱۳۸۵). *توضیح المسائل مراجع*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *پژوهشی در اساطیر ایران (پار نخست و دوم)*، ویراسته: کتابون مزداپور، تهران: آگه.
- بهرامان، فرخ‌مرد (۱۳۹۳). *مادیان هزار دادستان*، پژوهش: سعید عریان، تهران: علمی، چاپ دوم.
- پارسا، رحیم (۱۳۸۷). *ازدواج موقت در آینه قرآن و سنت*، تهران: مشعر.
- تبریزی، جواد (۱۳۸۴). *منهاج الصالحین*، قم: مدین.
- مینوی خرد (۱۳۵۴). ترجمه: احمد تفضلی، به کوشش: ژاله آموزگار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خاکسارکندر، مهران؛ باکویی، مهدی (۱۳۹۶). «بررسی متعه از دو جهت مفهومی و تأسیسی یا امضایی بودن آن در آیه ۲۴ سوره نساء»، در: *کنفرانس ملی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱*، رشت.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). *تحریر الوسیلة*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دارالعلم، چاپ چهارم، ج ۴.
- دریایی، تورج (۱۳۸۶). *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- دوست‌خواه، جلیل (۱۳۸۵). *اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی*، تهران: مروارید،

ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۵۱

چاپ دهم.

رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۴). *روایت آذر فرنیغ فرخزادان*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول.

رضی، هاشم (۱۳۷۶). *وندیداد*، تهران: فکر روز.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۵). *نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی*، تهران: آگه.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵). *روزگاران ایران؛ گذشته باستانی ایران*، تهران: سخن. زمانی مقدم، مسعود (۱۳۹۷). «مطالعه جامعه‌شناختی نهاد ازدواج موقت در تاریخ اجتماعی ایران: از ایران باستان تا پایان قاجاریه»، در: *علوم اجتماعی*، ش ۸۲، ص ۱۲۹-۱۵۵.

*شایبست ناشایبست*، متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) (۱۳۹۰). آوانویسی و ترجمه: کتابون مزدابور، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شکی، منصور؛ خلیلی‌پور، نازنین؛ کریمیان، حسن (۱۳۹۳). *تاریخ جامع ادیان*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳.

شهزادی، رستم (۱۳۲۸). *ماتیگان هزار داتستان: قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان*، تهران: فروهر.

صفای اصفهانی، نزهت (۱۳۷۶). *روایت امید اشوهستان*، تهران: مرکز.

طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۷). *العروة الوثقی*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الاولى، ج ۴.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *کتاب الخلاف*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عسکری، سید مرتضی (۱۳۷۷). *ازدواج موقت در اسلام*، قم: نشر مجمع علمی اسلامی.

علوی، هدایت‌الله (۱۳۷۸). *زن در ایران باستان*، تهران: هیرمند، چاپ سوم.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). *شاهنامه*، تصحیح: جلال خالقی مطلق، تهران: دائرةالمعارف.

*فرنیغ دادگی* (۱۳۸۵). *بندهش*، گزارنده: مهرداد بهار، تهران: توس.

فروخ، عمر (۱۳۶۳). *تاریخ جاهلیة*، بیروت: دار العلم للملایین.

*قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*.

کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۷۰). *این است آیین ما*، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم:

امام علی بن ابی‌طالب (ع).

کریستین‌سن، آرتور امانوئل (۱۳۹۴). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه: رشید یاسمی،

تهران: نگاه.

- کریمی زنجانی اصل، محمد (۱۳۷۸). *ازدواج در ایران باستان*، در: *چیستا*، س ۱۶، ش ۱۵۸-۱۵۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). *الکافی*، تصحیح و تعلیق: علی غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ سوم.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۲). *ایران از آغاز تا امروز*، ترجمه: محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی.
- مائسوخ، ماریا (۱۴۰۰). «کارکرد ازدواج موقت در نظام حقوق خانواده در دوران ساسانی»، ترجمه: محمد شکری فومشی، فاطمه شکری فومشی و مریم احمدپور، در: *هفت آسمان*، دوره ۲۳، ش ۸۱، ص ۱۰۳-۱۲۶.
- مزدایور، کتایون (۱۳۵۴). «نشانه‌های زن سروری در چند ازدواج داستانی در شاهنامه»، در: *فرهنگ و زندگی*، ش ۱۹-۲۰، ص ۱۲۰.
- مزدایور، کتایون (۱۳۸۶). *داغ گل سرخ و چهارده گفتار دیگر درباره اسطوره*، تهران: اساطیر، چاپ دوم.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۲). *مصطلحات الفقه*، قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). *مجموعه آثار*، قم: صدرا.
- مظاهری، علی اکبر (۱۳۷۷). *خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام*، تهران: قطره، چاپ دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). *توضیح المسائل*، تهران: پیام عدالت.
- وحید خراسانی، حسین (۱۳۹۸). *توضیح المسائل*، قم: مدرسه الامام باقر العلوم، چاپ سی و سوم.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۵). *فرهنگ فقه فارسی*، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، چاپ دوم.
- یادگار زریران (۱۳۸۴). *متن پهلوی با ترجمه فارسی و آوانویسی لاتین و سنجش آن با شاهنامه: یحیی ماهیار نوابی*، تهران: اساطیر.
- یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹). *العروة الوثقی*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- Anklesari, B. T. (1969). *The Pahlavi Rivāyat of Āturfarnbag and Farnbag Srōš (AFS)*, Bombay.
- Anklesari, T. D. (1912). *The Social Code of the Parsees in Sasanian Times or the Mādayān ī Hazār Dādestān (MhDA)*, part II: Bombay.
- Carlsen, B. H. (1984). "The Cakar Marriage Contract and the Cakar Children's Status in the Mātiyān ī Hazār Dāstīstān and Rivāyat ī Ēmēt ī Ašvahištān ", W. Skalmowshi and A. van Tongerlo, eds., *Middle Iranian Studies*, Leuven, pp. 103-

ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۵۳

114.

Dhabhar, Ervad Bamanji Nasavanji (1932). *The Persian Rivayats of Hormazyar Framarz*, Bombay.

Hjerrild, B. (1993). "Islamic Law and Sasanian Law", *Law and The Islamic World Past and Present*, papers presented to the joint seminar at the universities of Copenhagen and Lund March 29th – 27th, ed. Ch. Toll/ J. Skovgaard- Petersen, pp. 49-55.

<https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id>

<https://makarem.ir/>

Macuch, M. (2003). "The function of Temporary Marriage in the Context of Sasanian Family Law", Proceeding of the fifth conference of the societias Iranologica Europaea held in Ravenna, October 6-11, vol. I: Ancient and Middle Iranian studies, ed. by A. panaino/ A. Piras, pp. 585-597.

Perikhanian, A. (1980). *The Book of a Thousand Judgments (A Sasanian Law Book) (MHD)*, Costa Mesa.

Perikhanian, A. (1983). "Iranian Society and Law", *The Cambridge History of Iran*, III/2, ed.E. Yarshater, pp. 627-680.

Shaki, M. (1987). "Ayōkēn", *Encyclopaedia Iranica*, vol. III, p. 149.

## References

The Holy Quran

- Alawi, Hedayatollah. 1999. *Zan dar Iran Bastan (Women in Ancient Iran)*, Tehran: Hirmand, Third Edition. [in Farsi]
- Amini, Abd al-Hosayn. 1989. *Al-Ghadir*, Tehran: Great Islamic Library. [in Arabic]
- Anklesari, B. T. 1969. *The Pahlavi Rivāyat of Āturfarnbag and Farnbag Srōš (AFS)*, Bombay.
- Anklesari, T. D. 1912. *The Social Code of the Parsees in Sasanian Times or the Mādayān ī Hazār Dādestān (MHDĀ)*, part II: Bombay.
- Ardavirafnameh or Heaven and Hell in the Mazdisani Religion*. 1993. Preface, Persian Translation, Pahlavi Text, Glossary: Rahim Afifi, Tehran: Tus. [in Farsi]
- Askari, Seyyed Morteza. 1998. *Ezdewaj Mowaghghat dar Islam (Temporary Marriage in Islam)*, Qom: Publication of the Islamic Scientific Assembly. [in Farsi]
- Azargoshnasp, Ardeshir. 1993. *Marasem Mazhabi wa Adab Zartoshtiyan (Zoroastrian Religious Ceremonies and Customs)*, Tehran: Foruhar, Third Edition. [in Farsi]
- Badamchi, Hoseyn; Ghazanfari, Kolthum; Dawari, Parwin. 2015. "Ezdewaj Mowaghghat dar Din Zartoshti wa Islam (Temporary Marriage in Zoroastrianism and Islam)", in: *Women in Culture and Art*, yr. 7, no. 4, pp. 521-535.
- Bahar, Mehrdad. 1997. *Pajuheshi dar Asatir Iran, Pareh Nokhost wa Dowwom (A Research in Iranian Mythology, First and Second Part)*, Edited by Katayun Mazdapur, Tehran: Agah. [in Farsi]
- Bahraman, Farrokhmard. 2014. *Madiyan Hezar Dadestan*, Researched by Said Oryan, Tehran: Scientific, Second Edition. [in Farsi]
- Bani Hashemi Khomeini, Seyyed Mohammad Hasan. 2006. *Tozih al-Masael Maraje (Explanation of the Issues by Imitation References)*, Qom: Islamic Publications Office, Twelfth Edition. [in Farsi]
- Bartholomae, Christian. 1958. *Zan dar Hoghugh Sasani (Women in Sasanian Law)*, Translated by Naser al-Din Saheb al-Zamani, Tehran: Atai Press Institute, Second Edition. [in Farsi]
- Brosius, Maria. 2008. *Zanan Hakhmaneshi (Women in Ancient Persia)*, Translated by Haydeh Mashayekh, Tehran: Hermes. [in Farsi]



ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۵۵

Carlsen, B. H. 1984. "The Cakar Marriage Contract and the Cakar Children's Status in the Mātiyān I Hazār Dāristān and Rivāyat i Ēmēt i Ašvahištān", W. Skalmowshi and A. van Tongerloo, eds., *Middle Iranian Studies*, Leuven, pp. 103-114.

Christensen, Arthur Emmanuel. 2015. *Iran dar Zaman Sasaniyan (Iran during the Sasanian Era)*, Translated by Rashid Yasemi, Tehran: Look. [in Farsi]

Civil Code of the Islamic Republic of Iran.

Daryayi, Toraj. 2007. *Shahanshahi Sasani (Sassanid Empire)*, Translated by Morteza Thaghebfar, Tehran: Ghoghhnus. [in Farsi]

Dhabhar, Ervad Bamanji Nasavanji. 1932. *The Persian Rivayats of Hormazyar Framarz*, Bombay.

Dustkhan, Jalil. 2006. *Avesta: Kohantarīn Sorud-ha wa Matn-hay Irani (Avesta: Oldest Iranian Hymns and Texts)*, Tehran: Morwarid, Tenth Edition. [in Farsi]

*Faranbagh Dadegi*. 2006. *Bondahesh*, Compiled by Mehrdad Bahar, Tehran: Tus. [in Farsi]

Farrukh Omar. 1943. *Tarikh al-Jaheliyah (History of Ignorance)*, Beirut: Institute of Knowledge for Millions. [in Arabic]

Ferdosi, Abolghasem. 2010. *Shahnameh*, Edited by Jalal Khaleghi Motlagh, Tehran: Encyclopedia. [in Farsi]

Ghirshman, Roman. 1993. *Iran az Aghaz ta Emruz (Iran from the Beginning to Today)*, Translated by Mohammad Moin, Tehran: Scientific & Cultural. [in Farsi]

Hashemi Shahrudi, Seyyed Mahmud. 2006. *Farhang Feghh Farsi (Persian Jurisprudence Culture)*, Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute, Second Edition. [in Farsi]

Hjerrild, B. 1993. "Islamic Law and Sasanian Law", *Law and The Islamic World Past and Present*, papers presented to the joint seminar at the universities of Copenhagen and Lund March 29th – 27th, ed. Ch. Toll/ J. Skovcaard- Petersen, pp. 49-55.

<https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id>

<https://makarem.ir/>

Karimi Zanjani Asl, Mohammad. 1999. *Ezdevej dar Iran Bastan (Marriage in Ancient Iran)*, in: *Chista*, yr. 16, no. 158-159. [in Farsi]

- Kashef al-Gheta, Mohammad Hosayn. 1991. *In Ast Ayin Ma (This Is Our Religion)*, Translated by Naser Makarem Shirazi, Qom: Imam Ali ibn Abi Taleb. [in Farsi]
- Khaksarkondar, Mehran; Bakuyi, Mahdi. 2017. "Barresi Moteh az Do Jahat Mafhumi wa Tasisi ya Emzayi Budan An dar Ayeh 24 Sureh Nesa (Investigating Temporary Marriage from Two Conceptual and Institutional Aspects or Its Confirmation in Verse 24 of Surah Nisa)", in: *National Conference on New Approaches to Human Sciences in the 21st Century*, Rasht. [in Farsi]
- Khomeini, Ruhollah. 2007. *Tahrir al-Wasilah*, Translated by Seyyed Mohammad Bagher Musawi Hamedani, Qom: House of Knowledge, Fourth Edition. vol. 4. [in Farsi]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 1988. *Al-Kafi*, Edited & Annotated by Ali Ghaffari, Tehran: Islamic Book House, Third Edition. [in Arabic]
- Macuch, M. 2003. "The function of Temporary Marriage in the Context of Sasanian Family Law", Proceeding of the Fifth Conference of the Societas Iranologica Europaea Held in Ravenna, October 6-11, vol. I: Ancient and Middle Iranian studies, ed. by A. panaino/ A. Piras, pp. 585-597.
- Makarem Shirazi, Naser. 2009. *Tozih al-Masael (Replies to Inquiries)*, Tehran: Message of Justice. [in Farsi]
- Matsukh, Maria. 2021. "Karkard Ezdewaj Mowaghghat dar Nezam Hoghugh Khanewadeh dar Dawaran Sasani (The Function of Temporary Marriage in the Family Law System in the Sassanid Era)", Translated by Mohammad Shokri Fumeshi, Fatemeh Shokri Fumeshi & Maryam Ahmadpur, in: *Seven Heavens*, yr. 23, no. 81, pp. 103-126. [in Farsi]
- Mazaheri, Ali Akbar. 1998. *Khanewadeh Irani dar Ruzegar Pish az Islam (Iranian Family in Pre-Islamic Era)*, Tehran: Drop, Second Edition. [in Farsi]
- Mazdapur, Katayun. 1975. "Neshaneh-hay Zan Sarwari dar Chand Ezdewaj Dastani dar Shahnameh (Signs of Female Superiority in Some Fictional Marriages in Shahnameh)", in: *Culture and Life*, no. 19-20, p. 120. [in Farsi]
- Mazdapur, Katayun. 2007. *Dagh Gol Sorkh wa Chahardah Goftar Digar darbareh Ostureh (The Tragedy of the Rose and Fourteen Other Discourses on Myth)*, Tehran: Asatir, Second Edition. [in Farsi]
- Meshkini, Ardebili, Ali. 2013. *Mostalahat al-Feghh (Terminology of Jurisprudence)*, Qom: Hadith House. [in Arabic]
- Minuy Kherad*. 1975. Translated by Ahmad Tafazzoli, Prepared by Zhaleh Amuzgar, Tehran: Iranian Culture Foundation

ازدواج موقت: بررسی مقایسه‌ای در سنت زرتشتی اواخر دوران ساسانی و شیعه دوازده‌امامی / ۵۷

- Motahari, Morteza. 2012. *Majmueh Athar (Collection of Works)*, Qom: Sadra. [in Farsi]
- Parsa, Rahim. 2008. *Ezdewaj Mowaghghat dar Ayineh Quran wa Sonnat (Temporary Marriage in the Mirror of Quran and Tradition)*, Tehran: Mashar. [in Farsi]
- Perikhanian, A. 1980. *The Book of a Thousand Judgments (A Sasanian Law Book) (MHD)*, Costa Mesa.
- Perikhanian, A. 1983. "Iranian Society and Law", *The Cambridge History of Iran*, III/2, ed.E. Yarshater, pp. 627-680.
- Razi, Hashem. 1997. *Vendidad*, Tehran: Thought of Day. [in Farsi]
- Rezayi Baghbidi, Hasan. 2005. *Rewayat Azar Farnbagh Farrokhzadan*, Tehran: The Center of the Great Islamic Encyclopedia, First Edition. [in Farsi]
- Ruh al-Amini, Mahmud. 1996. *Nemud-hay Farhangi wa Ejtemai dar Adabiyat Farsi (Cultural and Social Manifestations in Persian Literature)*, Tehran: Agah. [in Farsi]
- Safay Isfahani, Nozhat. 1997. *Rewayat Emid Ashawahestan*, Tehran: Center. [in Farsi]
- Shahzadi, Rostam. 1949. *Matikan Hazar Datestan: Ghanun Madani Zartoshtiyān dar Zaman Sasaniyan (Zoroastrian Civil Law during the Sassanid Period)*, Tehran: Foruhar. [in Farsi]
- Shaki, M. 1987. "Ayōkēn", *Encyclopaedia Iranica*, vol. III, p. 149.
- Shakki, Mansur; Khalilipur, Nazanin; Karimiyan, Hasan. 2014. *Tarikh Jame Adyan (A Comprehensive History of Religions)*, Tehran: The Center of the Great Islamic Encyclopedia, vol. 3. [in Farsi]
- Shayest Nashayest, Matni be Zaban Farsi Miyaneh, Pahlawi Sasani (Worthy, Unworthy, A Text in Middle Persian, Sasanian Pahlavi)*. 2011. Transliterated & Translated by Katayun Mazdapur, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Tabatabayi Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem. 1996. *Al-Orwah al-Wothgha*, Qom: Islamic Publishing Corporation, First Edition, vol. 4. [in Arabic]
- Tabrizi, Jawad. 2005. *Menhaj al-Salehin (Path of the Righteous)*, Qom: Madyan. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1986. *Al-Khelaf (Discrepancy)*, Qom: Islamic Publications Office, First Edition. [in Arabic]
- Un Wala. 1922. *Darab Harmazdyar*, Mumbai: Bayn.

- Wahid Khorasani, Hoseyn. 2019. *Tozih al-Masael (Replies to Inquiries)*, Qom: Imam Baqir al-Uloom School, Thirty-third Edition. [in Arabic]
- Yadegar Zariran. 2005. *Matn Pahlawi ba Tarjomeh Farsi wa Awanewisi Latin wa Sanjesh An ba Shahnameh: Yahya Mahyar Nawabi (Pahlavi Text with Persian Translation and Latin Transliteration and Measuring It with Shahnameh: Yahya Mahyar Nawabi)*, Tehran: Asatir. [in Farsi]
- Yazdi, Sayyed Mohammad Kazem. 1988. *Al-Orwah al-Wothgha*, Beirut: Al-Alami Press Foundation. [in Arabic]
- Zamani Moghaddam, Masud. 2018. "Motaleeh Jameshenakhti Nahad Ezdewaj Mowaghghat dar Tarikh Ejtemai Iran: Az Iran Bastan ta Payan Ghajariyeh (Sociological Study of the Institution of Temporary Marriage in the Social History of Iran: From Ancient Iran to the End of the Qajar Period)", in: *Social Sciences*, no. 82, pp. 129-155. [in Farsi]
- Zarrinkub, Abd al-Hoseyn. 1996. *Ruzegaran Iran; Gozashteh Bastani Iran (The Days of Iran; The Ancient Past of Iran)*, Tehran: Speech. [in Farsi]
- Zoroastrian Association of Tehran. 2007. *Ayinnameh Ahwal Shakhsiyeh Zartoshtiyan (Zoroastrian Personal Status Regulations)*, Tehran: n.pub. [in Farsi]